

راهکارهای راهبردی در فرایند ترجمه واژه‌های عربی به فارسی

اثر: دکتر صادق فتحی دهکردی

مقاله برگرفته از رساله دکتری

به راهنمایی دکتر سید امیر محمود انوار

استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

(از ص ۵۱ تا ۶۶)

چکیده :

امروزه بزکسی پوشیده نیست که ترجمه به صورت یک «فن» درآمده است، فنی که باید اصول و قوانین آن ابتدا تدوین سپس تعلیم و تدریس گردد. در این میان با توجه به رابطه کهن و عمیق میان دو زبان عربی و فارسی و نیز ارتباط میان جهان عرب و ایرانیان، نیاز به تدوین اصول ترجمه از عربی به فارسی و برعکس بیش از پیش احساس می‌شود. و از آنجایی که یکی از اساسی‌ترین و دشوارترین مراحل ترجمه، معادل‌یابی واژه‌هاست - امری که همواره توجه مترجمین را به خود معطوف داشته است - لذا این نوشتار می‌کوشد تا راهکارهایی عملی جهت ترجمه واژه‌های عربی و فارسی ارائه دهد.

کشف رابطه میان معنای لغوی و اصطلاحی، میان معنای حقیقی و مجازی، میان معنای اصطلاحی و کاربردی واژه‌ها از یکسو و نیز توجه به سیاق جمله و فضای حاکم بر متن و آشنایی با اوضاع مربوط به متن از سوی دیگر، از مهمترین این راهکارهاست.

واژه‌های کلیدی: ترجمه، فن، واژه، معادل‌یابی، راهکار.

مقدمه:

از آنجایی که گسترش روزافزون علوم و ارتباطات در جهان امروز ضرورت برقراری رابطه میان ملت‌های مختلف در تمامی زمینه‌ها را اقتضا می‌کند و از سوی دیگر انتقال مجموعه میراث‌های بشری از ملتی به ملت دیگر و از زبانی به زبان دیگر، یکی از مهمترین راهکارهای توسعه تمدن بشری به شمار می‌رود لذا فرایند ترجمه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. یکی از نویسندگان معاصر عرب در این خصوص چنین می‌نویسد:

«رسالت ترجمه یک ضرورت انسانی است و یک ملت هرچند پیشرفته و مرفعی باشد نمی‌تواند به میراث علمی خود بسنده کند و از میراث همگانی ملت‌ها ... بی‌نیاز باشد.» (محمد عبدالغنی حسن، ۱۳۷۶ ه. ش، فن ترجمه در ادبیات عربی، ترجمه د. عباس عرب، ص ۱۱)

در این میان اعراب و مسلمانان نیز در عصر نخست عباسی به نهضت ترجمه رو آوردند و کتابهای متعددی را از زبانهای دیگر - بویژه یونانی - به عربی ترجمه نمودند که این فرایند در دوره معاصر به اوج خود رسیده است.

امروزه برکسی پوشیده نیست که ترجمه به صورت یک «فن» درآمده است، فنی که باید اصول و قوانین آن ابتدا تدوین و سپس تعلیم و تدریس گردد تا از این رهگذر مترجمین زبردستی تربیت گردند که بتوانند با رعایت آن قوانین مبادرت به ترجمه نمایند. بی‌تردید یکی از دشوارترین مراحل ترجمه، معادل‌یابی واژه‌هاست امری که همواره مورد توجه مترجمین بوده است. ترجمه واژه‌ها از یک زبان به زبانی دیگر معمولاً توسط فرهنگستانهای زبان صورت می‌گیرد. همچنین این امرگاهی مواقع توسط افرادی صورت می‌گیرد که به تنهایی مبادرت به تألیف فرهنگ لغت می‌نمایند و گاه نتیجه تلاش مترجمینی است که به هنگام ترجمه متون مختلف به واژه‌هایی برمی‌خورند که در فرهنگهای موجود وجود ندارند. در این میان نکته‌ای که حائز اهمیت فراوان است این که هر یک از این گروه‌ها که اقدام به معادل‌یابی واژه‌ها می‌کنند باید از یک ذوق ادبی همراه با احساس دقیق برخوردار باشند تا معادل‌هایی زیبا و روان در تلفظ

برای هر واژه انتخاب نمایند. معادل‌هایی که ذوق عمومی یا عرف عام از آنها متنفر نباشد و به هنگام استعمال به آسانی بر زبانها جاری شوند. به عبارت دیگر در نزد عموم مردم از معانی ناشایستی برخوردار نباشند و یا در آنها تنافر حروف وجود نداشته باشد. تنافری که مغایر با فصاحت است. چرا که در غیر این صورت وضع هر واژه‌ای مجرد وضع است و هیچگونه استعمال و کاربردی توسط مردم پیدا نخواهد کرد. در این میان با توجه به رابطه کهن و عمیق میان زبانهای عربی و فارسی و ارتباط میان جهان عرب و ایرانیان و نیز ضرورت تدوین اصول ترجمه از عربی به فارسی و برعکس لذا این مقاله می‌کوشد تا راهی به سوی راهکارهایی عملی جهت ترجمه واژه‌های عربی به فارسی بیابد.

راهکارهای راهبردی در فرایند ترجمه واژه‌های عربی به فارسی

الف - ارتباط میان معنای لغوی و اصطلاحی واژه‌ها

بدون شک یکی از مهمترین و حساس‌ترین مسائل مربوط به ترجمه واژه‌ها، کشف رابطه لغوی و اصطلاحی آنها و به عبارت دیگر کشف رابطه میان معنای موضوع‌له یک واژه و معنای اصطلاحی آن می‌باشد چرا که معنای اصطلاحی هر واژه رابطه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم با معنای لغوی آن دارد. در اینجا به ذکر نمونه‌هایی در این زمینه همراه با توضیحات مربوط به آنها می‌پردازیم.

(۱) «تسمیم العلاقات: تیره‌سازی روابط»

واژه «تسمیم» در لغت به معنای «سمی نمودن، مسموم ساختن» است (بطرس بستانی، ۱۹۸۷ م، محیط‌المحیط، ص ۴۲۹) و بر این اساس عبارت فوق به معنای «مسموم ساختن روابط» می‌باشد و با دقت در معنای این عبارت متوجه می‌شویم که «روابط سمی» در اصطلاح به معنای «روابط تیره» است چرا که «سمی نمودن روابط» بدین معناست که این روابط در آستانه نابودی و قطع شدن قرارگیرد و این همان است که در فارسی و در

عرف سیاست از آن به «تیره‌سازی روابط» تعبیر می‌شود.

۲) «فَرَزُ الْأَصْوَاتِ: شمارش آرا»

در لغت ذیل ماده «فرز» چنین آمده است:

«فَرَزَ الشَّيْءَ مِنْ غَيْرِهِ: عزله و نَحَاه: آن را جدا و دور ساخت» (بطرس بستانی، پیشین،

ص ۶۸۳)

بنابراین ترجمه لغوی ترکیب فوق «جداسازی و دورسازی آرا» می‌باشد و با دقت در این عبارت پی می‌بریم که «جداسازی آرا» در اصطلاح به معنای «شمارش آرا» است زیرا جداسازی آرا به منظور شمارش آنها صورت می‌گیرد.

۳) «تسوية الخلافات: حل و فصل اختلافات»

در لغت ماده «سَوَى» چنین معنی شده است:

سَوَى الشَّيْءَ تَسْوِيَةً: جعله سَوِيًّا و صنعَه مستويًّا» (بطرس بستانی، پیشین، ص ۲۴۳)

که به معنای صاف نمودن و برابر گردانیدن است و در اصطلاح، «صاف نمودن اختلافات» همان حل و فصل و برطرف کردن آنهاست.

۴) «تشويه الشخصية: ترور شخصیتی»

معنای «شَوَّهَ» در لغت چنین آمده است:

«شَوَّهَهُ: قَبَّحَهُ: آن را زشت گردانید» (مجمع اللغة العربية، ۱۹۷۲ م، المعجم الوسيط، ج ۱، ص ۵۰۱)

بنابراین ترجمه حرفی عبارت مذکور «زشت کردن شخصیت» می‌باشد که لازمه آن این است که شخصیت فردی خرد و لکه‌دار شود و این همان است که در اصطلاح از آن به «ترور شخصیتی» تعبیر می‌شود.

۵) «تَحَدَّيات: چالشها، مشکلات، معضلات، موانع، تهدیدها»

در لغت آمده است:

«حدا فلاناً علی كذا: بعثه علیه» و «تَحَدَّى فلاناً: طلب مباراته فی أمر: او را به مبارزه

طلبید» (مجمع اللغة العربية، پیشین، ص ۱۶۲)

بنابراین واژه «تحدی» به معنای مبارزه طلبی است اما در متون سیاسی روز به معنای چالش و مانع به کار می‌رود زیرا هر فردی که دیگری را به مبارزه و نبرد فرامی‌خواند در واقع یک مانع و مشکل بزرگی بر سر راه او ایجاد کرده است و تهدیدی برای او به شمار می‌رود.

۶) «تَخْرِيج الكوادر المؤهلة: تربیت نیروهای متخصص، تعلیم، آموزش»

معنای «خَرَجَ» در لغت اینگونه آمده است:

«خَرَّجَهُ مِنَ الْمَكَانِ: جعله يخرج منه» (لويس معلوف، ۱۹۸۸ م، المنجد، ص ۱۷۲) بنابراین

ترجمه تحت اللفظی عبارت مذکور «خارج ساختن نیروهای متخصص» می‌باشد که این به معنای تربیت، تعلیم یا آموزش این نیروهاست چرا که هر شخص یا مجموعه‌ای که در مؤسسه‌ای تعلیم و آموزش می‌بیند پس از پایان دوره از آنجا خارج می‌شود و در واقع آن مؤسسه با اتمام دوره آموزشی، امکان خروج آنها را فراهم ساخته است و به عبارت دیگر افراد زمانی از مؤسسه خارج می‌شوند که آموزشهای لازم را دیده باشند و تخصص لازم را کسب کرده باشند.

ب - اصطلاحات و کاربرد واژه‌ها در معنای مجازی

برخی مواقع در متون با عبارتها، ترکیبها و واژه‌هایی روبرو می‌شویم که به عنوان اصطلاح به کار برده می‌شوند و معنای حقیقی آنها منظور نیست بلکه معنای مجازی آنها مدنظر است مانند:

(۱) ألقى الضوء على... : افکار عمومی را متوجه... نمود، توجه اذهان عمومی را به... معطوف داشت.

در تئاتر و نمایشنامه هرگاه بخواهند توجه حضار را متوجه یکی از بازیگران و یا صحنه خاصی نمایند تمامی نورها را خاموش یا کم‌رنگ می‌کنند و آنگاه نور اصلی را بر روی بازیگر یا صحنه مورد نظر متمرکز می‌کنند تا توجه همه حضار به او جلب شود. لذا در جهان سیاست نیز هرگاه افکار عمومی را متوجه موضوع خاصی می‌کنند گویی که همانند صحنه تئاتر، نور اصلی را بر روی آن متمرکز نموده‌اند.

(۲) التكلُّس في عظام التسوية: بن بست مذاکرات صلح.

این عبارت در اصل به معنای «آهکین و پوک شدن استخوانهای صلح» است که این، کنایه از به آخر خط رسیدن یا بن بست مذاکرات صلح می‌باشد. زیرا استخوانهای پوسیده فاقد هرگونه کارایی هستند.

(۳) سياسة الكيل بمكيالين: سیاست یک بام و دو هوا، سیاست دوگانه.

که در اصل به معنای «سیاست وزن کردن با دو پیمان» می‌باشد و از آنجایی که این عبارت دلالت بر دوگانه بودن امری می‌کند لذا در اصطلاحات سیاسی به صورت «سیاست دوگانه» ترجمه می‌شود.

(۴) الدول العربية لا تحرك ساكناً: کشورهای عربی ساکت نشسته‌اند و هیچگونه اقدامی انجام نمی‌دهند.

که در این عبارت «هیچ ساکنی را به حرکت در نمی‌آورند» کنایه از سکوت و دست روی دست گذاشتن می‌باشد.

به حکم التزامی

از سوی دیگر در بسیاری از موارد دلالت یک واژه بر معنای اصطلاحی، به حکم التزامی است و در مواردی نیز یک واژه دارای معنای اصطلاحی مشخصی است ولی در عین حال به حکم التزامی بر معنای اصطلاحی جدیدی دلالت می‌کند که به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم.

(۱) تسویق الاتفاقية: بازاریابی برای معاهده - جلب حمایت از قرارداد، تثبیت توافقنامه.

در لغت معنای «سَوَّقَ» چنین آمده است:

«سَوَّقَ الحیوانَ و غیره ساقه: آن را به جلو برد» و «سَوَّقَ البضاعةَ: طلب لها سوقاً» (مجمع اللغة العربية، پیشین، ص ۴۶۴) که به معنای بازاریابی برای کالا است. در اصطلاح و تعبیر فارسی عبارت «تسویق الاتفاقية» را هم می‌توان به «بازاریابی برای معاهده» ترجمه نمود و هم می‌توان به «جلب حمایت از قرارداد» و یا حتی «تثبیت توافقنامه» ترجمه کرد زیرا هرگروهی که در صدد بازاریابی برای یک توافقنامه‌ای هستند در واقع به دنبال تثبیت و تحکیم آن هستند و لازمه بازاریابی برای یک موضوع، جلب حمایت و پشتیبانی از آن و تثبیت و تحکیم آن می‌باشد.

(۲) أفاذَ: فایده رساند - اظهار داشت - گزارش داد.

واژه «أفاذ» در لغت به معنای «فایده رساند» می‌باشد و از آنجایی که در برخی موارد لازمه «فایده رساندن» سخن گفتن و بیان اظهارات می‌باشد لذا می‌توان «أفاذ» را به «اظهار داشت» ترجمه نمود مانند عبارت:

«أفاذ الناطق باسم الخارجية الأميركية أن تحقيق إنجاز في ...»

همچنین این واژه در عبارت «أفاذت وكالة الأبناء» به صورت «گزارش داد» ترجمه می‌شود چرا که لازمه فایده رساندن یک خبرگزاری، دادن گزارش است.

(۳) التصفية الجسدية: پاکسازی فیزیکی - کشتار، قتل عام.

این عبارت در اصل به معنای «پاکسازی فیزیکی» یعنی پاکسازی یک منطقه از انسانهاست و از آنجا که پاکسازی یک منطقه از افراد - با توجه به کاربرد «تصفیه جسدیه» در متون - مستلزم کشتار و قتل عام آنهاست لذا می توان آن را به «کشتار» یا «قتل عام» ترجمه نمود.

۴) الاتصالات: تماسها، ارتباطات - نشستها

این واژه که در اصل به معنای «تماسها، ارتباطات» است گاهی مواقع در عبارتی چون «الاتصالات الثنائیه» به صورت «نشستهای دوجانبه» ترجمه می شود چرا که برخی مواقع لازمه برقراری تماس و ارتباط میان دو جناح یا گروه، برگزاری نشست دوجانبه می باشد.

۵) تحسین العلاقات: بهبود روابط - توسعه مناسبات، گسترش روابط

واژه «تحسین» در اصل به معنای «بهبود بخشیدن» است و لذا ترجمه عبارت فوق، «بهبود روابط» می باشد اما از آنجا که لازمه بهبود مناسبات دو کشور، گسترش و توسعه آن مناسبات است لذا می توان عبارت مذکور را به «گسترش روابط» یا «توسعه مناسبات» ترجمه نمود.

ج - تفاوت معنای اصطلاحی و کاربردی

یکی از دشواریهای فرایند ترجمه این است که مترجم هنگامی که اقدام به ترجمه متنی می نماید ممکن است با واژه هایی روبرو شود که معنای اصطلاحی آنها مشخص است ولی در عمل و در ترجمه نمی تواند همان معنای اصطلاحی را ذکر کند چرا که این امر یا از زیبایی و روانی ترجمه می کاهد و یا فهم آن را برای خواننده دشوار می سازد لذا در عمل مجبور می شود با استفاده از اصول و قوانین فن ترجمه، برای آن واژه معنایی جدید متناسب با کاربرد آن در جمله و عبارت بیاورد به طوری که چنانچه فردی این واژه و معنای کاربردی آن را به صورت جداگانه و مستقل از جمله و متن در نظر بگیرد

حکم به اشتباه در ترجمه می‌کند. البته ناگفته نماند که این بدان معنا نیست که واژه مذکور فی نفسه دارای این معناست بلکه منظور بار معنایی‌ای است که یک واژه در جمله‌های مختلف پیدا می‌کند. در اینجا به عنوان نمونه، چند واژه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

(۱) الاحتجاز

این واژه که به معنای «بازداشت کردن» می‌باشد ممکن است در معنای «گروگان‌گیری» نیز به کار رود مانند: «افتحم المحتجون مقر السفیر و احتجزوا زوجته و ابنه» (۶) (العالم، ش ۶۵۹، ص ۶)

(۲) الترتیب

این واژه در اصل به معنای «ساماندهی کردن، مرتب نمودن» می‌باشد ولی در عبارت «ترتیب الوثیقة» به «تنظیم سند، امضای سند» ترجمه می‌شود در حالیکه بدون توجه به عبارت و متن، نمی‌توان «ترتیب» را به «امضا» ترجمه نمود. از سوی دیگر همین واژه در عبارت «اتهمه بترتیب الأوراق الانتخابية» (۵) (العالم، ش ۵۱۵، ص ۲۰) معنایی متفاوت پیدا می‌کند چراکه ترجمه این جمله از این قرار است: «او را به تقلب در انتخابات متهم نمود» یا «او را به جابجایی برگه‌های رأی متهم ساخت».

(۳) التآمر

این واژه که به معنای «توطئه، توطئه‌چینی کردن» است در عبارت زیر به «مشارکت» ترجمه می‌شود: «اعتقله بتهمة التآمر في جريمة القتل» (۷): او را به جرم مشارکت در قتل بازداشت نمود» (العالم، ش ۶۴۱، ص ۵).

(۴) التحدي

این لفظ که در معانی «مبارزه طلبی، چالش، مشکل، معضل، مانع» می‌باشد در

عبارت زیر به «بی حرمتی، اهانت» ترجمه می شود: «يعتبر هذا الأمر تحدياً لمشاعر المسلمين^(۳)»: این موضوع نوعی بی حرمتی نسبت به احساسات مسلمانان به شمار می رود» (العالم، ش ۳۹۱، ص ۹).

(۵) التعایش

این واژه به معنای «همزیستی» است و لذا «التعایش السلمی» به «همزیستی مسالمت آمیز» ترجمه می شود. اینک عبارت زیر را در نظر می گیریم:

«ولئن كان التجاذب بين طرفي الحكم القائم في البلاد قد منع التوصل إلى حل يحسم التردد الحاصل فإن هذا التعایش غير مرشح للاستمرار طويلاً مما يعني احتمال الحسم القريب لأحد طرفيه»^(۲) (العالم، ش ۵۱۵، ص ۱۶). در این عبارت، بهترین و مناسبترین ترجمه برای «تعایش» عبارتست از «حالت، وضعیت» بدین معنا که می توان عبارت «إن هذا التعایش غير مرشح للاستمرار» را اینگونه ترجمه کرد: «این وضعیت نمی تواند تداوم یابد».

(۶) المهدد

این واژه را که به معنای «تهدید شده، مورد تهدید» می باشد می توان در عبارت زیر به «در آستانه» ترجمه نمود:

«الحفاظ على وحدة البلاد المهددة بالانهيار: حفظ وحدت و یکپارچگی کشور که در آستانه فروپاشی قرار گرفته است» (العالم، ش ۵۱۶، ص ۸).

ترجمه واژه های زیر نیز از این قبیل است:

- اِغْتَلَى المنصة: پشت تریبون قرار گرفت.

- إعداد البلاد نوویا: تجهیز کشور به سلاحهای هسته ای

- تشویه الشخصية: ترور شخصیتی

- تنشيط الجهود الدبلوماسية: افزايش تلاشهای دیپلماتیک، تشديد اقدامات

دیپلماتیک

در پایان این بحث لازم به یادآوری است که ذکر اینگونه ترجمه‌های کاربردی برای یک واژه لزوماً بدین معنا نیست که ما هر جا با آن واژه روبرو شدیم بتوانیم این ترجمه را برای آن ذکر کنیم مثلاً «تعایش» را به «حالت، وضعیت» و یا «تأمر» را به «مشارکت» ترجمه کنیم بلکه همانطوری که در آغاز گذشت این ترجمه‌ها از یکسو متناسب با مفهوم جمله عربی و تعبیر در زبان فارسی و از سوی دیگر به منظور روانی و زیبایی هرچه بیشتر عبارت و نیز قابل فهم بودن آن برای خواننده صورت می‌گیرد و بازگشت این امر به اصول و قوانین فن ترجمه است.

د - ضرورت آشنایی مترجم با اوضاع مربوط به متن و احاطه وی به واژه‌ها

آنچه که در ترجمه بسیار حائز اهمیت می‌باشد این است که یک مترجم پیش از آنکه اقدام به ترجمه متنی کند باید با اوضاع منطقه یا کشوری که این متن در مورد آن نوشته شده است آشنایی داشته باشد و همچنین نسبت به معنای واژه‌های مختلف آگاهی لازم را داشته باشد تا چنانچه در متن با واژه یا واژه‌هایی روبرو شد که باید خارج از معنای اصلی خود ترجمه شوند دچار اشتباه نگردد. به دو نمونه در این زمینه اشاره می‌کنیم.

- (۱) تشینی یحذر الأسد من توسیع صراع الشرق الأوسط: دیک چنی نسبت به گسترش دامنه بحران خاورمیانه به بشار اسد هشدار داد» (العرب، مورخ ۱۳۸۱/۱/۲۲ ه.ش)
- (۲) وزراء الخارجية العرب یقرّون بیان القمّة: وزرای امور خارجه کشورهای عربی پیش نویس بیانیه اجلاس سران اتحادیه عرب را تنظیم نمودند» (الایام، مورخ ۱۳۸۱/۱/۶ ه.ش)

ذ - استتار و انتشار معنای واژه‌ها در جمله

برخی مواقع جایگاه و موقعیت واژه‌ها در جمله به گونه‌ای است که در ترجمه، نیازی به ذکر معادل آنها نیست بلکه معنای آنها در داخل جمله مستتر و منتشر می‌شود مانند:

- (۱) إيقاف تدفق العون الاقتصادي: متوقف نمودن کمکهای اقتصادی.
(۲) الأسباب التي حالت دون توقع فوز الاشتراكيين^(۱): عواملی که مانع از پیروزی سوسیالیستها شد (العالم، ش ۶۴۱، ص ۱۳).
که در این دو جمله معنای واژه‌های «تدفق» و «توقع» ذکر نشده است.

ر - تفاوت ترجمه یک واژه براساس تفاوت گوینده

بیشتر واژه‌های عربی، واژه‌هایی هستند که دارای بار معنایی مشخصی هستند و با استعمال آنها توسط گویندگان مختلف تغییر معنا پیدا نمی‌کنند مانند واژه «احتلال» که دارای بار معنایی منفی و به معنی «اشغال» می‌باشد اما در برخی موارد نیز واژه‌هایی وجود دارند که معنای آنها متناسب با اختلاف گویندگان، تغییر می‌کند مانند:
(۱) واژه «ثائر» که اگر توسط افرادی که علیه یک دولت قیام کرده‌اند به کار رود به صورت «انقلابی» و اگر توسط دولتی که مخالفین علیه آن دست به فعالیتهای براندازی زده‌اند به کار رود به صورت «شورش» ترجمه می‌شود.

(۲) «التصريحات المثيرة»: که در دو معنای متفاوت «اظهارات تحریک‌آمیز» و «اظهارات مهیج و شورانگیز» ترجمه می‌شود.

ز - افزودن کلمه‌ای جدید به یک واژه به هنگام ترجمه

برخی مواقع به هنگام ترجمه عبارتی، ضرورت دارد واژه‌ای جدید متناسب با جمله، به آن اضافه نمود مانند:

- (۱) التخفيف من عبء الضرائب: کاستن از فشار سنگین مالیاتها.
(۲) المسار العربي - الصهيوني: روند گفتگوهای اعراب و رژیم صهیونیستی.

س - احتمال وقوع اشتباه در ترجمه برخی واژه‌ها هنگام ترجمه از فارسی به

عربی

برخی مواقع یک واژه عربی هنگام ترجمه به فارسی، دارای معادلی می‌شود که آن معادل تنها با توجه به جایگاه واژه عربی در آن جمله خاص، آورده شده است که در این صورت چنانچه فردی به هنگام ترجمه از فارسی به عربی بدون دقت در جایگاه واژه، آن را به عربی ترجمه کند ممکن است اشتباهاتی رخ دهد مانند:

- «تقديم التنازلات: اعطای امتیازات» که در اینجا واژه «امتیازات» برای فردی که آنها را اعطا می‌کند جنبه منفی دارد و در واقع نوعی عقب‌نشینی از مواضع است لذا در فارسی هر جا واژه «امتیازات» را مشاهده کردیم نمی‌توان آن را به هنگام ترجمه، به «تنازلات» ترجمه کنیم مانند «این طرح از امتیازات ویژه‌ای برخوردار است».

ش - حفظ امانت در ترجمه واژه‌ها براساس اعتقاد و نظر گوینده و معنای مورد

نظر او

یکی از نکات بسیار مهم در ترجمه این است که هرگاه اقدام به ترجمه کتاب، مقاله و یا مصاحبه‌ای می‌نماییم باید تمامی کلمات و واژه‌هایی را که نویسنده یا گوینده در کلام خود به کار برده است براساس نظر، قصد و اراده وی ترجمه کنیم نه براساس اعتقاد خود، لذا هنگام ترجمه مقاله‌ای که توسط دشمنی که مثلا سرزمین ما را اشغال نموده است، نوشته شده و در آن واژه «اُفْتَحْنَا» را به کار برده است نمی‌توانیم آن را به «اشغال کردیم» ترجمه کنیم زیرا نویسنده معتقد به این معنای سلبی نیست و لذا باید آن را به «فتح کردیم، تصرف کردیم» ترجمه کنیم.

ص - ترجمه افعال و مصادر لازم به صورت متعدی و برعکس

در برخی موارد به هنگام ترجمه فعل با مصدر لازمی، بهتر است آن را به صورت

متعدی ترجمه کنیم و برعکس مانند:

۱- انطلق الحزب: حزب فعالیت خود را آغاز نمود.

۲- تصدير النفط: صدور نفت

ض - ترجمه واژه جمع به صورت مفرد و برعکس

۱- أزمّة الأمور: زمام امور

۲- الشأن الداخلي الإيراني: امور داخلی ایران

ط - ترجمه افعال مضارع موجود در عناوین به صورت ماضی

یکی از نکات مهمی که یک مترجم به هنگام ترجمه متون روزنامه‌ای باید نسبت به آن آگاهی کامل داشته باشد این است که در مطبوعات عربی معمولاً افعال ماضی را در عناوین به صورت مضارع به کار می‌برند لذا مترجم به هنگام ترجمه افعال مضارع به فارسی - با توجه به کاربرد افعال ماضی در عناوین مقالات فارسی - باید آنها را به صورت ماضی ترجمه کند مانند:

۱- المقاومة الإسلامية تقصف مزارع شبعا: مقاومت اسلامی مزارع شبعا را گلوله باران کرد.

۲- البنتاغون يلغي مناورات عسكرية مع إسرائيل: پنتاگون مانورهای نظامی خود با اسرائیل را لغو کرد. (الدستور، ۱۲۴۵۹، ص ۱)

و - ترجمه ترکیب وصفی به صورت اضافی و برعکس

۱- النظام العراقي: رژیم عراق، حکومت عراق

۲- قوات الاحتلال: نیروهای اشغالگر

ی - احتمال وقوع اشتباه در ترجمه واژه‌ها بدون مطالعه متون و با تکیه صرف بر فرهنگهای عربی - لاتین.

در برخی موارد ممکن است که مترجمی برای دریافت معنای فارسی یک واژه عربی

تنها از فرهنگهای عربی - لاتین استمداد بطلبد بدون اینکه به متون اصلی عربی مراجعه نماید و آنها را مورد مطالعه قرار دهد که در این صورت در موارد زیادی، این فرایند با اشتباهات فاحشی در معادل‌یابی واژه‌ها همراه خواهد بود مانند:

۱- «البلاط»: "Court" (روحی البعلبکی، ۱۹۹۲، المورد، ص ۲۴۶)

واژه "Court" علاوه بر معنای "دربار" به معنای "دادگاه" نیز می‌باشد در حالی که نمی‌توانیم "بلاط" را به "دادگاه" ترجمه کنیم.

۲- "التنظیم": "execution" (حارث سلیمان الفاروقی، ۱۹۹۱، المعجم القانونی، ص ۱۱۲)

یکی از معانی واژه "execution" "اعدام کردن" است در حالی که واژه "تنظیم" به هیچ وجه در این معنا به کار نمی‌رود.

نتیجه:

فرایند ترجمه واژه‌های یک متن فرایندی خشک و مکانیکی نیست که بتوان تنها با توجه به معنای لغوی یا اصطلاحی آنها اقدام به معادل‌یابی نماییم بلکه فرایندی انعطاف‌پذیر است که عوامل بسیاری در آن تأثیرگذار هستند که از جمله مهمترین آنها، توجه به سیاق جمله و فضای حاکم بر متن و نیز آشنایی با اوضاع مربوط به متن می‌باشد.

منابع:

الف - کتابها

- ۱- بستانی، بطرس، ۱۹۸۷ م، محیط المحيط.
- ۲- البعلبکی، روحی، ۱۹۹۲ م، المورد.
- ۳- عبدالغنی حسن، محمد، ۱۳۷۶ ه. ش، فن ترجمه در ادبیات عرب، ترجمه د. عباس عرب.
- ۴- الفاروقی، حارث سلیمان، ۱۹۹۱ م، المعجم القانونی.
- ۵- مجمع اللغة العربية، ۱۹۷۲ م، المعجم الوسیط، ج ۱.

ب - مجلات

- ١- آل بلال، حسن، ١٩٩٨ م، السلطة في أيدي الاشتراكيين، العالم، ش ٦٤١، ص ١٥-١٣.
- ٢- بوراوي، علي، ١٩٩٤ م، فشل ندوة الحوار يوفر ظروف الحسم السياسي، العالم، ش ٥١٥، ص ١٦.
- ٣- محمد شهابي، سعيد، ١٩٩١ م، مؤتمر السلام، العالم، ش ٣٩١، ص ٩.
- ٤- محمد مقالح، محمد، ١٩٩٤ م، وثيقة العهد و الاتفاق و بناء الدولة اليمينية الحديثة، العالم، ش ٥١٦، ص ٩-٨.
- ٥- ١٩٩٤ م، حوادث كردستان تضع القضية على المحك، العالم، ش ٥١٥، ص ٢١-٢٠.
- ٦- ١٩٩٩ م، تركيا تعتقل أوجلان و احتجاجات كردية عارمة، العالم، ش ٦٥٩، ص ٦.
- ٧- ١٩٩٨ م، بريطانيا تعيد اعتقال معارض سعودي، العالم، ش ٦٤١، ص ٥.